

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

محمد قراگوزلو  
۲۳ جنوری ۲۰۱۴

## روحانی در داووس فرش بنفش زیر پای سرمایه

### مجمع تشخیص مصلحت سرمایه

حسن روحانی همیشه چهره ای مؤثر و ذی نفوذ در سپهر امنیتی اقتصادی نظام حاکم بوده است. او - به ویژه - در دورانی که ریاست شورای امنیت ملی را به عهده داشت و پروژه خطیر هسته یی را پیش می برد، به وضوح نشان داد که نحوه کاربست کلید چرخش و کرنش در قفل های بسته اقتصاد امنیتی را بلد است و بهتر از هر دیپلمات دیگری به فن "نرمش" در برابر امریکا و متحدانش مسلط است. حسن روحانی بنا به ضرورت تجدید آرایش بورژوازی حاکم به هنگام عروج دولت نئوکنسرواتیست نهم به نحو هوشمندانه ای به حساس ترین بخش تشکیلات مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت تا در سایه پدر بزرگوار سرمایه داری ایران (رفسنجانی) ساز و کارهای مرکز تحقیقات ستراتیژیک مجمع را طراحی کند. دقیقاً یک سال پس از دور دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد و زمانی که - پس از قهر و آشتی و گردن کشی بر زمینه عزل و نصب وزیر وقت اطلاعات - معلوم شد اوضاع و احوال انباشت سرمایه با شلخته بازی های محمود سر و سامان نمی گیرد؛ حسن روحانی وارد گود شد! به عنوان منتقد دولت! از همان وقتی که رفسنجانی در اعتراض بی نتیجه به نتایج انتخابات نهم شکایت به آسمان برد، مجمع تشخیص از هیچ اقدامی برای کنترل دولت نظامی احمدی نژاد کوتاهی نکرد اما در برابر حامی اصلی احمدی نژاد راه به جایی نبرد. با این حال رفسنجانی و دوستانش ضمن تمرکز در مجمع دست به یک سری اقدامات موازی با دولت زدند. یکی از این رویکردها دعوت از اقتصاد دانان نئولیبرال بود. چنان که دانسته است تیم احمدی نژاد از مدل اقتصاد نئولیبرالی شرقی - به طور مشخص پینوشه یی، دنگ شیائوپینگ، پوتینی - دنباله روی می کرد و در مقابل گروه رفسنجانی ترجیح می دهد به روش های اروپائی، جاپانی عمل کند و الگوی سیاستمدارانی همچون شیراک، بلر را پیشه گیرد. یکی از اتفاقات مهمی که در این دوره افتاد و چندان مورد توجه واقع نشد سفر یک اقتصاددان نئولیبرال جاپانی به تهران بود. پروفیسور تاناکا به عنوان مهمان ویژه حسن روحانی به ایران آمده بود تا ضمن اعاده حیثیت از آبروی به باد رفته بازار آزاد، نسخه جدیدی برای اقتصاد بحران زده ایران بیچد. به نوشته روزنامه نئولیبرال "دنیای اقتصاد"؛ "حضرت تاناکا در سخنرانی خود در مرکز تحقیقات ستراتیژیک مجمع تشخیص با نشان دادن کتابی از فون هایک از رجوع مجدد جهان به اندیشه های وی خبر داد." (دنیای اقتصاد، ش ۲۰۱۱ چهارشنبه ۲۲ دی [جدی] ۱۳۸۹)

صاحب این قلم همان زمان (۲۷ دی ۱۳۸۹ / ۱۷ جنوری ۲۰۱۱) در بخش نخست سلسله مقالات "امکان یابی مکان دفن نئولیبرالیسم" طی یادداشتی تحت عنوان "هایک در تهران" به ارزیابی چپستی آن ماجرا پرداخته است. بنگرید به:

<http://akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=34917>

باری، ۳ سال پیش زمانی که تیم رفسنجانی- روحانی با رهنمود اقتصاددانان هایکی برای خروج از بن بست بحران دنبال کلید می گشت به ذهن کمتر کسی خطور می کرد که حسن روحانی عنقریب در مقام رئیس دولت آن نسخه های شوم را به داروخانه داووس نزد سندیکای جنایتکاران سرمایه داری جهانی خواهد برد! اینک روحانی در داووس است.

### هژمونی یا بقاء؟

ضرورت خروج از بن بست پروژه هسته یی و شکست دیوار تحریم ها به دنبال شکست سیاست های تهاجمی غنی سازی هژمونی خواهانه، نظام سیاسی ایران را به ترجیح راهبرد بقاء واداشت. پذیرش نتایج شکننده انتخابات ۲۴ خرداد [جوزا] در همین راستا شکل بست تا برهه جدیدی از ساز و کارهای سیاسی اقتصادی در کشور رقم بخورد.

پس از هزینه های سرسام آور جنگ ۸ ساله دومین خسارت سنگین مالی زمانی از جیب خالی مردم فقر زده ما پرداخت شد که دانسته آمد کل پول هائی که برای غنی سازی ۲۰ درصدی خرج شده در نتیجه توافق ژنیو ۳ به باد رفته است. کسی به درستی از میزان چنین مبلغ هنگفتی آگاه نیست اما روزنامه کیهان تهران- که به مراتب فراتر و فریه تر از یک رسانه است- از این معامله در قالب طنز تلخ دادن "لپ تاپ" و گرفتن "تی تاپ" یاد کرده است. همان قیاس "آب نبات" در مقابل "جواهر" که زمانی علی لاریجانی برای توافق سعد آباد به کار برده بود. نکته پیداست که این "تی تاپ" (نوعی بیسکوئیت ارزان قیمت)- که قرار است در ۸ قسط به دولت روحانی پرداخت شود- قادر به علاج درد اقتصاد ورشکسته ایران نیست. رفع شکسته بسته تحریم ها به جز یک سری نتایج روانی از قبیل کاهش بهای ارز گشایشی در زندگی روزمره مردم زحمتکش ایجاد خواهد کرد. بارزترین دلیل آن بودجه انقباضی دولت، کسر بودجه هنگفت و "افزایش" ۱۸ درصدی دستمزد کارمندان است. این رقم در خوشبینانه ترین ارزیابی دست کم ۲۰ تا ۳۰ درصد کمتر از نرخ تورم سال گذشته است و به همین میزان سطح معاش را ساقط خواهد کرد. مضاف به این که بعید به نظر می رسد در شرایط حاضر و با توجه به ضعف و پراکندگی جنبش کارگری از درون تشکیلات ۳ جانبه گرای "شورای عالی کار مزدی" نان و قاتقی بیش از "افزایش" حقوق کارمندان به سفره کارگران اضافه شود.

باری تولید و صادرات نفت ایران- مستقل از تحریم ها- در شرایطی نیست که در یک آینده قابل پیش بینی بتواند اقتصاد کشور را منبسط کند. صنعت نفت ایران فرسوده است. بازارهای جهانی اشباع شده است. تولیدات عربستان و عراق تمام شعارهای کاذب "بستن آبراهه خلیج فارس" و ایجاد بحران انرژی و نفت دوپست سیصد دلاری را پوچ کرده است. در این شرایط حسن روحانی و اقتصاددانان نئولیبرال تیم او خوب می دانند که با یک بیسکوئیت بخور و نمیر تی تاپ نمی توان در مقابل شورش گرسنه گان ایستاد. شاید در داووس بتوان کیک زرد هسته یی را به چند تکه نان سنگگ تبدیل کرد.

### نقش اتاق بازرگانی

می گویند - و ما نیز شنیده ایم فقط- که به محض بلند شدن صدای "نرزش قهرمانانه" در ژنیو ۳ جیغ تیلیفون های دفاتر اتاق المان و فرانسه بلند شده است. ممتد. در آن نیمه شب تهران و سویس پس از آن که محمد جواد ظریف ملتسمانه لوران فابیوس را به آغوش کشید و عباس عراقچی برای عکس گرفتن با کاترین اشتون یک شکاف در تیم مذاکره باز کرد، اتفاقات زیادی افتاد! دوست عزیزی برایم نوشت:

«روزنامه اینترنتی اشپیگل آنلاین دیروز نوشت که فرانسوی ها بیش از همه از قرارداد ژنیو سود می برند. نکاتی از آن را برایت در این جا می آورم : "اروپا بایستی در همین ماه دسمبر ایران را رفع بایکوت نماید." این را البته همین آقای لورن فابیوس وزیر امور خارجه گفته که سراسیمه به اسرائیل سفر کرده بود. "یک تصمیم اروپائی در این زمینه ضرورت دارد!" اشپیگل در ادامه نوشته است که:

" صنایع فرانسه به ویژه از توافق ژنیو سود می برند. این صنایع بیش از همه تولید کنندگان فرانسوی از تنبیهات بین المللی رو به افزایش علیه ایران رنج برده اند. «پ اس آ، پژو، سیتروئن» برای مثال در سال دوهزار و یازده برای چهارصد و پنجاه و هشت هزار خودرو به ایران لوازم یدکی فروخت که در فبروری دوهزار و دوازده این معامله به دلیل بایکوت ایران سر نگرفت. «رنو» در تابستان به علت تنبیهات تازه علیه ایران پانصد و دوازده میلیون یورو ضرر کرد. " و یا در مقاله دیگری به نام "معاملات میلیاردي با ایران " نویسنده می گوید که از دوشنبه صبح تیلوفون اتاق بازرگانی ایران و المان یک لحظه از زنگ زدن باز نمی ایستد."

شاید به خاطر این حجم عظیم ترافیک شغلی بود که "بنده خدا" دکتر محمد نهاوندیان عطای ریاست اتاق بازرگانی را به دیگری بخشید و دو دستی به ریاست دفتر روحانی چسبید. به هر ترتیب واقعیت این است که چرخ اتاق بازرگانی نه با زنگ تیلوفون بل با پول و سرمایه می چرخد. حتا برای چرخاندن سانتریفیوژهای نطنز و فردو نیز باید به سرمایه جهانی تکیه زد. حالا دیگر سطحی ترین و بی خبرترین بخش افکار عمومی نیز می داند که افسانه دور زدن تحریم ها به رانت خواری های میلیاردي امثال زنجانی- ضراب انجامیده است. لاجرم باید تمام این دور زدن ها را کنار گذاشت و مستقیم رفت به خیابان اصلی و با صاحب خانه همراه شد. نقطه سرخط. سرخط را در داووس ترسیم می کنند. نقطه گذاری هم در همان جا شکل می بندد.

### هراس از شورش گرسنگان

برای صاحب این قلم "مجمع جهانی اقتصاد" (داووس) همیشه حامل یک پیام سیاه بوده است. ۱۳ سال پیش (پنجشنبه ۲۰ بهمن [دلو] ۱۳۷۹) در متن یادداشتی پیرامون داووس چنین نوشتم:

"بعید می دانم کسانی که هفته گذشته در داووس گرد آمدند تا سهم صنایع بزرگ را در اقتصاد جهانی کنار بگذارند، مجال آن را یافته باشند تا از ارتفاعات برف گرفته این شهر کوچک سویسی نقبی هم به حافظه تاریخی بزنند. در تقسیم بندی های جغرافیائی داووس مانند لوزان و ژنیو و برن شناخته شده نیست... با این همه کلبه های حاشیه بی این شهر خطرات خطیری را رقم زده اند. در اواخر سال ۱۹۴۴ زمانی که رایش سوم در آستانه سقوط قرار گرفته بود بسیاری از فرماندهان ارتش منهزم المان دور از چشمان در غبار فروپاشی مأموران امنیتی گشتاپو و اس اس به سویس می خزیدند تا...."

و پس از تأملی نوستالژیک در یادمان یکی از فرستادگان اتحاد جماهیر شوروی به ارزیابی پلاتفرم آن سال داووس (لیبرالیزاسیون نظام اقتصادی محبوبس در چنگال دولت) پرداختم و چشم به فروروم اجتماعی متشکل در پورتو الگره (جهانی دیگر ممکن است) دوختم و چنین ادامه دادم:

" در عصر ما اکثریتی هستند که خوراک ندارند و اقلیتی که خواب ندارند. آیا این اقلیت همان کسانی نیستند که در کنفرانس داووس جمع شدند تا سرنوشت جهان را به اندازه ای که خود تشخیص می دهند، برش دهند؟ اقلیتی که از تمام امکانات جهانی سود می جوید اما از ترس شورش و انقلاب عظیم گرسنگان در تشویش و نگرانی به سر می برد!"

(دل تنگی های آدمی از داووس تا پورتو. ۲۰ بهمن [دلو] ۱۳۷۹ روزنامه حیات نو ش: ۲۰۵)

## از ژنیو تا داووس

بر اساس آن چه کمیته اجرائی مجمع جهانی داووس سال ۲۰۱۴ اعلام کرده است یافتن راه‌های مشارکت سازنده بین بخش دولتی و خصوصی برای جهانی شدن، تغییرات آب و هوایی، تجارت چند جانبه و همچنین بحث درباره موضوعات اجلاس ۲۰۱۵ و برنامه‌های توسعه و ارائه راهکار برای حل مشکل بیکاری و کاهش فاصله طبقاتی از جمله محورهای داووس ۲۰۱۴ است.

دو بار حضور محمد خاتمی در اجلاس داووس (۲۰۰۴ و ۲۰۰۷) و ملاقات با سران دولت‌ها از جمله جان کری این امکان را به رئیس جمهوری اسلامی ایران می‌دهد که با همتایان غربی خود خلوت کند و صحبت‌های رو در روئی که در حیات خلوت مجمع عمومی سازمان ملل نیمه کاره ماند، پیش ببرد.

حسن روحانی با وزیر خارجه اش به داووس رفته است. با وزیر خارجه و نه با وزیر نفت یا صنایع و بازرگانی! و این خیلی معنا دار است. جایی که سهم سرمایه جهانی و نسبت‌ها و تناسب‌هایش با اقتصادهای کوچک و حاشیه‌یی سرمایه داری جهانی هم تعیین می‌شود این سیاستمداران هستند که امضایشان معتبر است اما در عین حال طرف قرار داد همان صاحبان صنایع بزرگ و کمپانی‌هایی هستند که این دیپلمات‌ها را پشتیبانی می‌کنند. حسن روحانی به داووس رفته است تا روابط تجاری با امریکا و اتحادیه اروپا بعد از اجرائی شدن توافق ژنیو گسترش یابد.

معنای سراسر این سیاست همان ادامه برنامه شکست خورده ادغام در سرمایه داری غربی است که در دوران رفسنجانی شروع شد و با احمدی نژاد متوقف گردید. در همین راستا و از دو سه ماه پیش فراخوان دعوت به چپاول (نام واقعی سرمایه گذاری امپریالیستی) از سوی وزیر نفت روحانی منتشر شده است. فرش بنفش روحانی زیر پای صاحبان کارتل‌ها و تراست‌های غول پیکر نفتی پهن خواهد شد تا خواهران و برادران هفت گانه به کشور ما قدم رنجه فرمایند! بازگشت "غرور آفرین و با شکوه" رویال داچ شل انگلیسی- هلندی، توتال فرانسوی، انی ایتالیایی، او امی وی اتریشی، استات اویل ناروی و اکزون موبایل شیطان بزرگ انسان را به دوران اعلیحضرت می‌برد! غمی نیست، کارخانه‌های خودرو سازی رنو و پژوی فرانسه و قطعه سازان نپسان و سوزوکی و کیا و مزدا نیز به زودی سر و کله‌شان پیدا خواهد شد و معاملات تهاتری با روسیه و چین نیز ارتقاء خواهد یافت. اما.....

پیشروی در داووس به همین سادگی‌ها هم نیست. ملزومات اصلی موفقیت در داووس به دو بستر خارجی و داخلی وابسته است. در سطح خارجی دولت روحانی باید بتواند توافقات ژنیو ۳ را بی‌کم و کاست اجرائی کند و از پس رقیبان محافظه کار داخلی بر بیاید. از روز تعلیق غنی سازی ۲۰ در صدی موج جدیدی از این تقابل آغاز شده است. مهم تر از عملیاتی سازی توافق ژنیو این است که دولت روحانی ناگزیر است که توافق ژنیو را به حصول یک توافق سیاسی گسترده میان نظام سیاسی حاکم و امریکا و اروپا گره بزند. جنگ داخلی در سوریه فقط بخشی از این توافق خواهد بود. بدون چنین توافقی بعد از مدتی ژنیو و داووس برای روحانی و ظریف در حد یک سفرنامه تنزل خواهد یافت.

در سطح داخلی دولت روحانی باید بتواند زمینه‌های ورود سرمایه را مهیا سازد. تحقق چنین برنامه‌ای در ایران کنونی تنها از طریق قبرستانی کردن جامعه ممکن خواهد شد. این جا دیگر صحبت از منتقدان محافظه کار و اصول گرای دولت نیست. این جا صحبت از امنیت سرمایه و در همین راستا تبدیل کشور به بهشتی برای سود آورسازی سرمایه است. لازمه عملیاتی شدن چنین پروژه‌ای را در سخنان مقامات ارشد دولت یازدهم می‌توان دید. آن جا که وزیر اطلاعات در ملاقات با سرمایه دارن از ضرورت حذف "رسوبات اندیشه سوسیالیستی" یاد می‌کند و مشاور ارشد روحانی رسالت دولت را "زدودن چپ زدگی" می‌داند و هم زمان جمعی از ژورنالیست‌های نئولیبرال باند امنیتی عطریانفر مأموریت می‌گیرند تا یک بار دیگر مانند دوران بستر سازی یورش به "داب" تمهیدات حمله به چپ را طرح ریزی کنند. نوشته‌های سخیفی مانند "فدائیان جهل" تنها گوشه‌ای از این یورش است.

اما قدر مسلم این که ساده لوحی محض است پروژه جدید نئولیبرالیسم ایرانی را به یک مقاله سفارشی در یک رسانه دست راستی محدود و متمرکز کنیم. باز کردن زنجیر روزنامه نگاران نئولیبرال تنها بخشی از این تهاجم گسترده است. بی شک این یورش در عرصه های مختلف صورت خواهد گرفت. از جمله:

تضعیف مستمر توان سازمان یابی طبقه کارگر به شیوه های مختلف مانند منجمد کردن دستمزدها، سیال کردن قانون کار، نهادینه سازی قراردادهای سفید امضاء، مقابله با ایجاد تشکل های مستقل کارگری، تلاشی و انفعال همین چند تشکل موجود از طریق قلع و قمع فعالان برجسته آن و ایجاد تشتت در میان این فعالان، تقویت تشکل های زرد دولتی و ارتقای قدرت مانور مأموران خانه کارگر و جا زدن فعالان این خانه سیاه (مانند حسن صادقی ها در یک برنامه تلویزیونی موسوم به مناظره برای دستمزد) در میان توده کارگران؛ تقویت بنیه بخش خصوصی و افزایش توان چپاولگری بازار و... خلاصه ماجرا از این قرار است: در داخل چپ را می زنند و در خارج سند آن را به امضاء می رسانند. داووس جانی است برای ثبت این ضربه.